

مدل مفهومی سبک همسر داری سازگارانه با رویکرد دینی و روایی سنجی آن

A Conceptual Model of Adaptive Spousal Style with a Religious Approach and Its Validity Assessment

کهر رضیه عرفانی جهرمی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، دانشکده هدی، قم، ایران.
محمد زارعی توطخانه / استادیار گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

✉ Razye Orafaei jahromi / M.A. in Positive Psychology, Hoda Faculty, Qom, Iran. razehorafa@gmail.com
Mohammad Zarei Toupkhaneh / Assistant Professor, Department of Family, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran.

Abstract

The aim of the present study is to design a conceptual model of adjustment (compatibility) with a religious approach using qualitative content analysis method. The research population consists of authentic Islamic narration sources, with the grading criterion of "Alif" books. The sampling method is purposive and of the type proposed by Glaser and Strauss. The statements obtained through this method were categorized and coded, and ultimately presented in the form of a conceptual model. To ensure the content validity of the research, the criteria of "credibility," "transferability," "dependability," and "confirmability" proposed by Guba and Lincoln were employed. For the purpose of validating the components, forms were prepared using the CVR (Content Validity Ratio) and CVI (Content Validity Index) indices, and the components were subjected to expert opinions, and the results led to the confirmation of the components. Based on the findings from the analysis of religious texts, seven components for teaching adjustment were extracted: "companionship," "gentleness," "patience," "forbearance," "moderation," "prudence," and "spirituality." These components were

چکیده

هدف از تحقیق حاضر طراحی مدل مفهومی سازگاری با رویکرد دینی به روش تحلیل محتوای کیفی است. جامعه پژوهش منابع معتبر روایی اسلامی با معیار درجه‌بندی کتب الف است. روش نمونه‌گیری به شکل هدفمند و از نوع پیشنهادی گلیرز و استراوس است. گزاره‌های به‌دست‌آمده از این روش دسته‌بندی و کدگذاری و نهایتاً در قالب مدل مفهومی ارائه گردید. برای کسب روایی محتوای پژوهش شاخص‌های «اعتمادپذیری»، «انتقال‌پذیری»، «وابستگی» و «تکاپذیری» گابا و لینکلن مورد استفاده قرار گرفت. در جهت روایی‌سنجی مؤلفه‌ها با استفاده از شاخص (CVR) و (CVI) فرم‌هایی آماده گردید و مؤلفه‌های مورد نظر در معرض نظرات کارشناسان قرار گرفت و نتایج حاصله به تأیید مؤلفه‌ها انجامید. بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل متون دینی برای آموزش سازگاری هفت مؤلفه «همراهی»، «نرم‌خویی»، «صبر»، «چشم‌پوشی»، «میانه‌روی»، «دوراندیشی» و «معنویت‌گرایی» استخراج شد و این مؤلفه‌ها تحت سه عنوان کلی «انعطاف‌پذیری»، «بازداری» و

organized under three general categories: "flexibility," "inhibition," and "values." Flexibility includes the three components of "companionship," "gentleness," and "moderation"; inhibition encompasses the two components of "patience" and "forbearance"; and values includes the components of "prudence" and "spirituality." Furthermore, five consequences for adjustment were enumerated under the titles: "expansion of sustenance," "gaining social status," "achieving what is desired," "prevention of harms," and "spiritual growth".

Key words: Conceptual Model, Validity Assessment, Adjustment, Religious Approach.

«ارزش‌ها» تنظیم گردید که انعطاف‌پذیری شامل سه مؤلفه «همراهی»، «نرم‌خویی»، «میان‌روی»، و بازداری دربردارنده دو مؤلفه «صبر» و «چشم‌پوشی»، و ارزش‌ها شامل مؤلفه‌های «دوراندیشی» و «معنویت‌گرایی» است. در ادامه پنج پیامد برای سازگاری تحت عناوین «وسعت رزق»، «کسب موقعیت اجتماعی»، «رسیدن به مطلوب»، «پیشگیری از آسیب‌ها» و «رشد معنوی» برشمرده شد.

کلیدواژه‌ها: مدل مفهومی، روایی‌سنجی، سازگاری، رویکرد دینی.

مقدمه

خانواده، این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی، اساسی‌ترین بنیان جامعه است که افراد در آن رشد کرده و بالنده می‌شوند و شالوده شکل‌گیری مناسبات اجتماعی از خانواده آغاز می‌شود. پس بدون تردید سلامت خانواده متضمن سلامت جامعه است (زمانی و احمدی، ۱۴۰۱). اسلام نیز خانواده را سنگ‌بنای جامعه معرفی می‌کند که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و گروه‌های اجتماعی گوناگون را به هم پیوند می‌دهد. خانواده همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان به‌منزله خلیفه و جانشین خداوند قدم برمی‌دارد (صالحی، ۱۳۹۵). در آموزه‌های اسلامی هدف از ازدواج رسیدن به آرامش و کسب سکینه عنوان شده است (روم: ۲۱). رسیدن به پیامدهای مثبت ازدواج منوط به قرار گرفتن همه عوامل در جایگاه اصلی خود است (صالحی، ۱۳۹۵).

در این میان اما آنچه مهم‌تر از اصل ازدواج است، رضایت از ازدواج و رسیدن به سازگاری است. سازگاری به‌عنوان یک محافظ در برابر پیامدهای منفی زندگی عمل می‌کند (پرن مگ گاورن، ۲۰۱۲). سازگاری زناشویی به ثبات احساسی و توانایی فکری اشاره دارد که در آن هریک از همسران احساس شادی و رضایت را تجربه می‌کنند و خواستار رشد و پیشرفت همسرشان می‌شوند (لاتا، ۲۰۱۷). این شکل از سازگاری دارای دو ویژگی تداوم و خشنودی است (صادقی، ۱۳۸۹). لاک والاس^۱ (۱۹۹۵) سازگاری زناشویی را به‌عنوان فرایند انطباقی زن و شوهر به شیوه کارآمد تعریف می‌کند که از تضاد

اجتناب می‌کنند؛ آن‌چنان‌که از ازدواجشان و از یکدیگر احساس رضایت می‌کنند، علایق و فعالیت‌های مشترکی دارند و احساس می‌کنند که ازدواجشان انتظارات آنها را برآورده کرده است.

بنابراین تلاش همسران برای رسیدن به اهداف مشترک و دستیابی به تعادل و توافق از طریق تعامل داشتن و برنامه‌ریزی کردن و حل مشکلات و تعارضات به‌صورت مثبت، منجر به سازگاری زناشویی می‌شود (گوون، ۲۰۱۷). پیامدهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و نیز هزینه‌های بالای ناشی از ناسازگاری زوجها و شکست در ازدواج برای کلیه اعضای جامعه، این موضوع را به موضوع قابل توجه برای بررسی در پژوهش‌ها تبدیل کرده است (صادقی، ۱۳۸۹). بحران فروپاشی خانواده در غرب و پیامدهایی که از رهگذر آن گریبان‌گیر جوامع غربی شده، بسیاری از اندیشمندان متعهد را به بررسی و واکاوی علل این پدیده و تلاش جهت یافتن راهکارهایی برای مقابله با آن واداشته است (گاردنر، ۱۳۸۷).

کارشناسان حوزه خانواده نیز همواره به دنبال این پرسش بوده‌اند که چگونه می‌توان سازگاری را در میان زوجین افزایش داد و از این طریق در جهت کاهش تعارضات زناشویی و افزایش کیفیت زندگی قدم برداشت. در این زمینه پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است که در جهت رفع آسیب‌های زناشویی و توانمندسازی زوجین برای ارتقای کیفیت زندگی بوده است (خان‌آبادی، ۱۳۹۷؛ فتوحی و همکاران، ۱۳۹۵؛ اسلامی و همکاران، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور و همکاران، ۱۳۹۰).

پژوهش‌های زیادی به بررسی تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر سازگاری پرداخته‌اند. افتخاری (۱۳۹۸) با ارائه مدلی برای سازگاری زناشویی، مؤلفه‌های روان‌شناختی مؤثر بر سازگاری را در دو دسته مؤلفه‌های فردی و بین‌فردی بیان می‌کند که مؤلفه‌های فردی را شامل هشت مورد می‌داند که عبارت‌اند از: ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت، باورها و اسنادهای ارتباطی ناکارآمد، سلامت روان، توانایی همدلی، انعطاف‌پذیری، تنظیم هیجان و تمایزیافتگی، و مؤلفه‌های بین‌فردی را شامل پنج مورد می‌داند که عبارت‌اند از: صمیمیت زناشویی، تعامل زناشویی، رضایت جنسی، توانایی حل مسئله و عوامل فرهنگی. این یازده مقوله از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌دست آمده است که نشان داد سازگاری زناشویی به‌عنوان انگیزه‌ای برای حفظ زندگی زناشویی از دو مؤلفه میل و ترس تشکیل شده است. سازگاری شکل‌یافته از روی میل به شکل مثبت سبب متعهد ماندن به رابطه و فعالانه عمل کردن می‌شود و سازگاری شکل‌یافته از طریق ترس به شکل منفی در اثر ترس از طلاق و انزوای اجتماعی و ناتوانی در برطرف کردن نیازها شکل می‌گیرد.

در پژوهش دیگری که توسط نجفی (۱۳۹۸) انجام گرفت، دو سطح تمایزیافتگی خود و سرسختی روان‌شناختی را پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی به شکل مثبت می‌داند. از میان مؤلفه‌های سرسختی،

عوامل تعهد، چالش و کنترل به ترتیب قادر به پیش‌بینی سازگاری‌اند و از میان مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، عوامل هم‌آمیختگی با دیگران، واکنش‌پذیری هیجانی و گسلس عاطفی به‌طور منفی و عامل جایگاه من، به شکل مثبت پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی‌اند.

متقی‌نژاد (۱۳۹۹) به تعیین رابطه بین مهارت‌های ارتباطی و تاب‌آوری و سرسختی روان‌شناختی با سازگاری زناشویی پرداخته. در این پژوهش سرسختی روان‌شناختی و مهارت‌های ارتباطی به ترتیب توانستند سازگاری زناشویی را به‌طور معناداری تبیین کنند.

بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ارائه مدل مفهومی سازگاری فاقد رویکرد دینی می‌باشند. این تحقیق به ارائه مدل مفهومی سازگاری برگرفته از متون دینی می‌پردازد.

بنابر آنچه بیان شد، این تحقیق به دنبال پاسخ به سه سؤال ذیل می‌باشد:

۱. مؤلفه‌های سبک همسرمداری سازگارانه ویژه بانوان با رویکرد دینی کدام است؟
۲. مدل مفهومی سبک همسرمداری سازگارانه ویژه بانوان با رویکرد دینی کدام است؟
۳. آیا مدل مفهومی سبک همسرمداری سازگارانه ویژه بانوان با رویکرد دینی از روایی لازم برخوردار است؟

روش پژوهش

در این تحقیق با استفاده از روش کیفی، داده‌ها گردآوری و تحلیل می‌شود. روش تحلیل محتوا یکی از مهم‌ترین روش‌ها در روان‌شناسی اسلامی است که به استنباط، استخراج فرضیه‌ها، بررسی مبانی و مسائل از منابع دینی در موضوعات مختلف روان‌شناسی می‌پردازد (شجاعی، ۱۳۹۴). تحلیل محتوای کیفی روشی برای تفسیر محتوای داده‌های متنی از طریق دسته‌بندی نظام‌مند کدگذاری و شناسایی مضمون‌ها و الگوهاست (سیه و شانون، ۲۰۰۵). در این پژوهش نیز با روش تحلیل محتوای کیفی مقولات از متون دینی استخراج و سپس با طبقه‌بندی منظم مضامین به‌دست‌آمده، مدل مفهومی در این خصوص طراحی می‌گردد. برای بررسی سازگاری در متون دینی و ارائه مدل مفهومی مراحل ذیل طی شده است.

۱. از بین هجده واژه‌ای که ارتباط معنایی با مفهوم سازگاری داشتند، نه واژه را که به مفهوم سازگاری نزدیک‌تر بودند انتخاب شد که شامل واژه‌های مدارا، رفق، وفق، تواتی، تانی، هین، لین، تغافل و مجامله است.

۲. با مشخص کردن منابع اصلی و فرعی، کتب روایی معتبر از گروه الف با معیار درجه‌بندی ارائه‌شده توسط طباطبایی (۱۳۹۰) انتخاب شده است؛ چراکه این دسته از کتب دارای بیشترین مقبولیت و اعتبار می‌باشند.

۳. در مرحله سوم با مراجعه به کتب الف و جمع‌آوری احادیث برای نه واژه منتخب از مفهوم سازگاری، اقدام به تشکیل خانواده حدیث برای هریک از این واژه‌ها گردید. با استفاده از جست‌وجوی کلیدواژه‌های مرتبط و مطالعه منابع مربوطه نمونه‌گیری تا جایی پیش می‌رود که به حدی از اشباع برسد. این روش از نوع نظری پیشنهادی گلیرز^۱ و استراوس^۲ (۱۹۶۷) است که نمونه‌برداری در طول مراحل پژوهش صورت می‌پذیرد. اندیشه‌ها و مفاهیم نظری، گردآوری داده‌ها را مدیریت می‌کند و تا زمانی پیش می‌رود که اندیشه جدیدی به‌دست نیاید و در آن صورت نمونه‌برداری متوقف می‌شود.

۴. پس از تشکیل خانواده حدیث سپس به‌منظور دستیابی به درکی کلی و حذف موارد تکراری به‌مرور چند باره داده‌های به‌دست‌آمده از متون روایی پرداخته شد.

۵. بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در گزاره‌های به‌دست‌آمده اقدام به دسته‌بندی واحدها و کدگذاری آنها گردید.

۶. با مشخص شدن مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی، مدل مفهومی به‌دست‌آمده از احادیث ارائه شد.

۷. با گزارش‌دهی مدل به‌دست‌آمده به متخصصین امر، جهت کسب تأیید کارشناسان اقدام گردید.

۸. جهت اخذ تأیید از کارشناسان از دو شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده گردید (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵). گابا و لینکلن (۱۹۸۵) معتقدند جهت اطمینان به نتایج تحقیقات کیفی چهار معیار جداگانه، اما به هم مرتبط وجود دارد که از آنها با نام شاخص‌های باورپذیری یا اعتمادپذیری،^۳ انتقال‌پذیری،^۴ اطمینان و اتکاپذیری^۵ و تأییدپذیری^۶ یاد می‌کند (محمدرپور، ۱۳۹۰) که در این تحقیق از آن استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

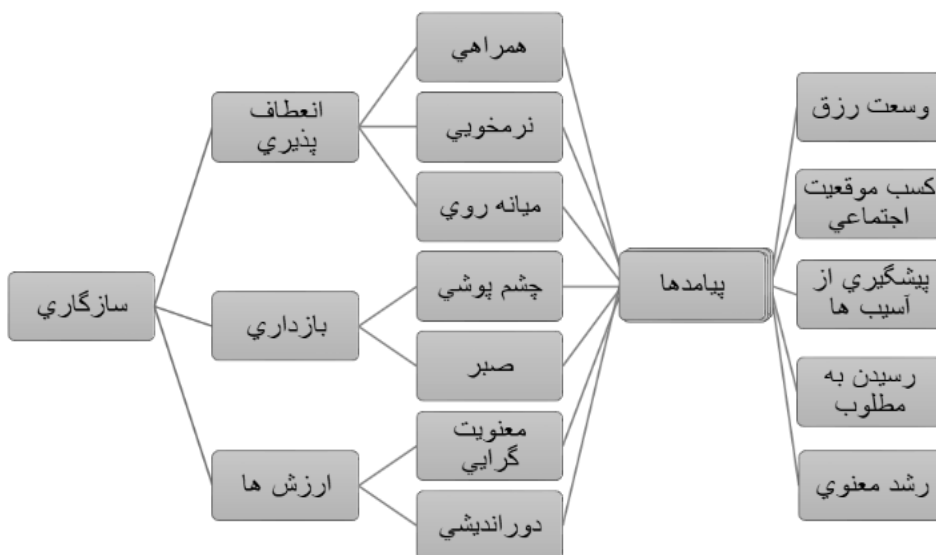
نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل متون دینی نشان می‌دهد که سازگاری در متون دینی شامل هفت مؤلفه است که این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: همراهی، نرم‌خویی، صبر، چشم‌پوشی، میانه‌روی، دوراندیشی و

1. Glaser
2. Strauss
3. credibility
4. transformability
5. dependability
6. conformability

معنویت‌گرایی. در همین راستا دسته دیگری از روایات تحت عنوان پیامدهای سازگاری از روایات به‌دست آمد که شامل «وسعت رزق»، «کسب موقعیت اجتماعی»، «رسیدن به مطلوب»، «پیشگیری از آسیب» و «رشد معنوی» است.

پس از کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های به‌دست‌آمده از متون دینی، شاخه‌بندی‌های اصلی و فرعی با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در داده‌ها مشخص گردید. تحلیل این داده‌ها نشان می‌دهد که هفت مؤلفه سازگاری تحت سه عنوان کلی «انعطاف‌پذیری»، «بازداری» و «ارزش‌ها» دسته‌بندی می‌شوند که عنوان انعطاف‌پذیری شامل مؤلفه همراهی، مؤلفه نرم‌خویی و مؤلفه میانه‌روی می‌باشد، و عنوان بازداری شامل مؤلفه‌های صبر و چشم‌پوشی، و عنوان ارزش‌ها متعلق به مؤلفه‌های دوراندیشی و معنویت‌گرایی است.

با توجه به این تقسیم‌بندی نمودار ذیل ترسیم و مدل مفهومی سازگاری برآمده از روایات مشخص می‌گردد.



پاسخ به سؤال سوم تحقیق: آیا مدل مفهومی سبک همسرمداری سازگارانه ویژه بانوان با رویکرد دینی از روایی لازم برخوردار است؟

به‌منظور روایی‌سنجی مؤلفه‌های سازگاری مستخرج از منابع اسلامی، جدول ذیل ترسیم و در اختیار کارشناسان قرار گرفت تا میزان تطابق یافته‌ها با مستندات دینی با استفاده از مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای «کاملاً مطابق است»، «مطابق است»، «نسبتاً مطابق است» و «مطابق نیست» به‌دست آید.

مؤلفه	مستندات	میزان مطابقت					میزان ضرورت		
		کاملاً مطابق است	مطابق است	نسبتاً مطابق است	مطابق نیست	ضروری است	مفید است، ولی ضروری نیست	ضرورت ندارد	
۴.۱	مؤمن، مؤمن [واقعی] نیست، مگر اینکه در او سه خصلت باشد: روشی از پروردگارش، روشی از پیامبرش و روشی از امامش... اما روش پیامبرش، سازش و مدارا با مردم است. همانا خداوند به پیامبرش امر فرموده که با مردم مدارا و سازش نماید؛ «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سَنَهُ مِنْ رَبِّهِ وَسَنَهُ مِنْ نَبِيِّهِ وَسَنَهُ مِنْ وَلِيِّهِ... وَأَمَّا السَّنَةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمَدَارَةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهِ بِمَدَارَةِ النَّاسِ» (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ص ۳۱۰) توصیه به مدارای عمومی و بدون قید و شرط								
۴.۲	حق همسرت این است که او را گرمای بداری، و با او مدارا کنی؛ «أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ... فَتَكْرِمُهَا وَتَرْفُقُ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۲) مدارا یکی از حقوق همسران								
۴.۳	چه خوب وزیری است ملایمت برای خویشان داری، چه خوب وزیری است بردباری برای ملایمت؛ «نعم وزیر الحلم الرفق ونعم وزیر الرفق الصبر» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۱) کمک گرفتن از صبر برای تقویت رفق								
۴.۴	و اما حق خصمی که ادعایی بر ضد تو طرح کرده... اگر مدعایش باطل باشد با او به نرمی برخورد کنی، و جز رفق و مدارا به کار او نبری؛ «حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدْعَى عَلَيْكَ فَإِنْ كَانَ مَا يَدْعِي عَلَيْكَ حَقًّا كُنْتَ شَاهِدَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَلَمْ تَظْلَمْهُ وَأَوْفَيْتَهُ حَقَّهُ وَإِنْ كَانَ مَا يَدْعِي بِاطِّلَا رَفَقْتَ بِهِ وَلَمْ تَأْتِ فِي أَمْرِهِ غَيْرَ الرَّفْقِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۹) مدارا هنگام اتهام و سوءظن								
۴.۵	جایی که مدارا کردن درشتی به حساب آید، به جای مدارا درشتی کن، چه بسا که دارو بر درد افزاید؛ «إِذَا كَانَ الرَّفْقُ خُرْقًا كَانَ الْخُرْقُ رِفْقًا رَبَّمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً» (نهج البلاغه، ص ۵۳۳) سنجش شرایط جهت اعمال مدارا								
معیارهای سنجش	همانا خداوند عز و جل ملایم است و ملایمت و نرمی را دوست دارد و بر رفق پاداشی می‌دهد که به سختگیری نمی‌دهد؛ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۹) توجه به پاداش الهی بر سازگاری								
توصیه‌ها	سه چیز است که هر که نداشته باشد، هیچ کارش تمام نیست... و خلقی که به سبب آن با مردم بسازد؛ «ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتِمَّ لَهُ عَمَلٌ وَرَعٌ يَجْزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَخُلُقٌ يَدَارِي بِهِ النَّاسَ وَحِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۷۹) مدارا سبب حصول نتیجه								

جهت محاسبه شاخص روایی محتوا، تعداد کارشناسانی که گزینه «کاملاً مطابق است» و «مطابق است» را انتخاب کرده‌اند، بر کل کارشناسان تقسیم می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۰). چنانچه مقادیر (CVI) به‌دست‌آمده بین عدد ۰/۷۰ تا ۰/۷۹ باشد، نیازمند بازبینی خواهد بود و اگر بیشتر از این مقدار باشد، قابل قبول شناخته می‌شود (پولیت و بک، ۲۰۰۶^۱).

با توجه به محاسبه صورت‌گرفته برای هفت مؤلفه که با ارزیابی ۱۴ کارشناس که تعدادی از آنان طلاب درس خارج و تعدادی دیگر دارندگان مدرک سطح سه حوزه به همراه مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی بودند، مقدار (CVI) برای مؤلفه همراهی و نرم‌خویی ۰/۹۵، مؤلفه صبر ۰/۸۳، مؤلفه چشم‌پوشی ۰/۸۹، مؤلفه میانه‌روی و دوراندیشی ۰/۸۰ و مؤلفه معنویت‌گرایی ۰/۸۷ به‌دست آمد که با توجه به بالاتر بودن از ۰/۷۹ شاخص روایی محتوا تأیید می‌شود.

در نسبت روایی محتوا (CVR) میزان قابل اطمینان بودن و موثق بودن مؤلفه‌ها (معادل روایی و اعتبار در روش کمی)، با استفاده از شاخص‌های اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اتکاپذیری و تأییدپذیری گابا و لینکلن (۱۹۸۹) به‌دست آمد که نشان می‌دهد مؤلفه‌های مذکور از روایی مطلوبی برخوردار هستند. برای این منظور از طیف لیکرت سه‌درجه‌ای «ضروری است» و «مفید است، ولی ضروری نیست» و «ضرورت ندارد» استفاده شد.

برای محاسبه (CVR) از بین ۱۴ کارشناس، تعداد افرادی که گزینه «ضروری است» را انتخاب کرده بودند از نصف آنان کم شد و سپس حاصل به‌دست‌آمده بر نصف تعداد کارشناسان تقسیم شد که نتایج آن برای مؤلفه همراهی ۰/۷۳، نرم‌خویی ۰/۷۱، صبر ۰/۶۰، چشم‌پوشی ۰/۶۲، میانه‌روی ۰/۷۲، دوراندیشی ۰/۵۳ و مؤلفه معنویت‌گرایی ۰/۸۰ به‌دست آمد. مقدار قابل قبول (CVR) برای ۱۴ نفر، ۰/۵۱ می‌باشد که مؤلفه‌های مذکور این حد نصاب را کسب کردند. در جدول ۳-۴ روایی‌سنجی که توسط کارشناسان مورد ارزیابی قرار گرفته است گزارش می‌گردد.

مؤلفه‌های سازگاری	CVI	CVR
همراهی	۰/۹۵	۰/۷۳
نرم‌خویی	۰/۹۵	۰/۷۱
صبر	۰/۸۳	۰/۶۰
چشم‌پوشی	۰/۸۹	۰/۶۲
میانه‌روی	۰/۸۰	۰/۷۲
معنویت‌گرایی	۰/۹۲	۰/۸۰
دوراندیشی	۰/۸۰	۰/۵۳

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مفهومی سازگاری با رویکرد دینی و در پی پاسخ‌گویی به سه سؤال مطرح‌شده در این پژوهش است. در پاسخ به سؤال اول که مؤلفه‌های سازگاری را جست‌وجو می‌کند، یافته‌های این تحقیق گویای این مطلب است که از دیدگاه اسلامی هفت عامل در ایجاد سازگاری دخیل‌اند که عبارت‌اند از: «همراهی»، «نرم‌خویی»، «صبر»، «چشم‌پوشی»، «میان‌روی»، «دوراندیشی» و «معنویت‌گرایی».

سایر پژوهش‌ها در این حوزه، دخیل بودن برخی از این مؤلفه‌ها را در شکل‌گیری فرآیند سازگاری مؤثر می‌دانند.

در بررسی تأثیر صفات شخصیت بر سازگاری، مقدس‌زاده (۱۴۰۰) بیان کرده است که ویژگی «توافق‌پذیری» که با مؤلفه «همراهی» تطابق دارد و نیز ویژگی «فروتنی» که زیرمجموعه مؤلفه «نرم‌خویی» است، بیشترین سهم را در سازگاری زناشویی دارد.

در پژوهش خاجوی مقدم و دلبری (۱۳۹۳) پنج عامل برای تقویت مدارا ذکر شده است که شامل «تقویت مبانی عقیدتی»، «توجه به منافع بلندمدت خانواده»، «تمرین و مراقبت»، «تغافل و تجاهل» و «درک شایسته همسر» است. در این میان «تقویت مبانی عقیدتی» تا حدودی با مؤلفه «معنویت‌گرایی» که در این تحقیق به آن دست یافتیم هم‌پوشانی دارد و نیز بین «تغافل و تجاهل» با مؤلفه «چشم‌پوشی» رابطه‌ای همانی برقرار است. «توجه به منافع بلندمدت» نیز با مؤلفه «دوراندیشی» که در فصل چهار ذکر شد در یک راستا قرار دارد.

پیلتن (۱۳۹۰) در بررسی ابعاد مدارا با بیان علل ناکامی افراد در به‌کارگیری مدارا، توجه به اصل تدریجی بودن را متذکر می‌شود که این نکته به بیانی دیگر مؤلفه «صبر» را نشان می‌دهد.

راستی (۱۳۹۶) در پژوهش خود اعتقاد به آخرت را از راه‌های تقویت و تثبیت مدارا برشمرد که این نکته بیان دیگری از مؤلفه معنویت‌گرایی است؛ همچنین جبرئیل‌زاده و شماخته (۱۴۰۳) آموزه‌های دینی را در افزایش سازگاری زناشویی به شکل معناداری دخیل می‌دانند.

عبداللهی و قاسمی (۱۴۰۲) اصول اخلاقی همچون رفق، ملائمت، مدارا، تفاهم، توافق، بخشش، گذشت و شکیبایی را سبب افزایش سازگاری می‌دانند که این موارد با مؤلفه‌های «همراهی»، «نرم‌خویی»، «صبر» و «چشم‌پوشی» همخوانی دارد.

دالتی بگی (۱۳۹۶) با ترسیم مقیاسی برای مدارا آن را شامل پنج عامل می‌داند، از جمله «کنترل هیجانات، صبر و تحمل» و «احسان و گذشت نسبت به همسر» که این دو عامل به ترتیب با مؤلفه‌های «صبر» و «چشم‌پوشی» همخوانی دارند.

عمادی و پسندیده (۱۳۹۴) پانزده شاخص برای مدارا برشمرده است که سه مورد از آنها با سه مؤلفه این تحقیق در یک راستا هستند. شاخص «وا نهادن و همراهی موقت با رفتار مخاطب» با مؤلفه «همراهی»، شاخص «رعایت سلسله مراتب و میانه‌روی و قاطعیت» با مؤلفه «میانه‌روی» و شاخص «به‌کارگیری ملایمت و نرم‌خویی در شکل کار» با مؤلفه «نرم‌خویی» همسو است.

با توجه به آنچه بیان شد، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در حیطه سازگاری یافته‌های فراوانی چه از منظر روان‌شناسی و چه از منظر متون دینی وجود دارد و هریک از پژوهشگران به فراخور دیدگاه خود، به بررسی گزاره‌های موجود در این زمینه پرداخته‌اند.

به دلیل غنی بودن متون دینی در حوزه مباحث سازگاری، رویکردهای دینی در این زمینه فراوان به چشم می‌خورد که در صورت تدقق در آیات و روایات می‌توان به صدها گزاره در این زمینه دست یافت و از منظرهای گوناگون طبقه‌بندی نمود. به عنوان نمونه، رجبی و وحیدیان اردکان (۱۳۹۳) به بررسی عوامل رفتاری سازگاری می‌پردازد و بر طبق آیات قرآن نه عامل رفتاری را برمی‌شمرد که سه عامل «توکل»، «زمینه‌سازی برای توفیق الهی» و «فرمان‌برداری از خداوند»، گونه‌ای از مؤلفه معنویت‌گرایی هستند. رجبی در ادامه عامل «صبر» را برمی‌شمرد که این عامل همانند مؤلفه «صبر» از مؤلفه‌های هفت‌گانه به‌دست‌آمده است.

بنابراین طبقه‌بندی روایات در قالب عوامل رفتاری مدارا (رجبی و وحیدیان اردکان، ۱۳۹۳)، ابعاد مدارا (پیلتن، ۱۳۹۰)، مدارا در حیطه امور تربیتی (داوودی، ۱۳۸۰)، مفهوم و جایگاه مدارا (علمی، ۱۳۹۴)، نشان از رویکردهای مختلف پژوهشگران به بحث سازگاری با رویکرد دینی دارد.

در پاسخ به سؤال دوم که مدل مفهومی سبک همسرمداری سازگاران و ویژه بانوان با رویکرد دینی را جست‌وجو می‌کند، هفت مؤلفه به‌دست‌آمده تحت سه عنوان کلی، «انعطاف‌پذیری»، «بازداری» و «ارزش‌ها» دسته‌بندی می‌شوند که عنوان «انعطاف‌پذیری» شامل مؤلفه «همراهی»، «نرم‌خویی» و «میانه‌روی» می‌باشد، و عنوان «بازداری» شامل مؤلفه‌های «صبر» و «چشم‌پوشی»، و عنوان «ارزش‌ها» متعلق به مؤلفه‌های «دوراندیشی» و «معنویت‌گرایی» است.

پنج پیامد نیز برای سازگاری برشمرده شده است که عبارت‌اند از: «وسعت رزق»، «کسب موقعیت اجتماعی»، «پیشگیری از آسیب‌ها»، «رسیدن به مطلوب» و «رشد معنوی».

بحث و بررسی سؤال سوم تحقیق

پرسش سوم این پژوهش روایی مدل مذکور را بررسی می‌کند. در پاسخ به این سؤال، صحت، قابل اطمینان بودن و موثق بودن (معادل روایی و اعتبار در روش کمی) عوامل و مدل مفهومی، با استفاده از شاخص‌های اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اتکاپذیری و تأییدپذیری گابا و لینکلن (۱۹۸۹) مورد

استفاده قرار گرفت. برای این منظور فرم‌هایی طراحی گردید و مؤلفه‌های هفت‌گانه به‌دست‌آمده همراه با روایات مندرج تحت هر مؤلفه طبقه‌بندی و ارائه گردید، تا کارشناسان نظرات خود را برای بررسی (CVR) در لیکرت سه‌درجه‌ای «ضروری است»، «مفید است، ولی ضروری نیست» و «ضرورت ندارد»، و برای بررسی (CVI) در لیکرت چهاردرجه‌ای «کاملاً مطابق است»، «مطابق است»، «نسبتاً مطابق است» و «مطابق نیست» بازگو نمایند. پس از ارزیابی کارشناسان که تعداد آنان ۱۴ نفر در نظر گرفته شد، اعداد به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مذکور حد نصاب مورد نظر را کسب کردند که نشانگر تأیید همه مؤلفه‌ها توسط کارشناسان است.

با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته در این پژوهش همچنان محدودیت‌هایی بر سر راه این پژوهش وجود دارد، از جمله اینکه به علت گستردگی منابع دینی امکان لحاظ نشدن برخی روایات در تشکیل خانواده حدیث وجود دارد؛ همچنین امکان دارد مقوله‌بندی‌ها از منظری دیگر مورد دقت قرار گیرد و نتایج متفاوتی حاصل کند. با توجه به آنچه به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود علاوه بر کتب الف سایر کتب روایی نیز برای دستیابی به مؤلفه‌های بیشتر مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۶). گلچین صدوق. ترجمه محمدحسین صفاخواه. تهران: فیض کاشانی.
ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. ترجمه علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۰). صفات الشیعه. ترجمه توحیدی، تهران: زراره.
اسلامی، معصومه و سیف، سوسن (۱۳۸۷). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. / اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۴ (۱ و ۲)، ۹۹-۱۳۰.

افتخاری، مریم (۱۳۹۸). ارائه مدلی برای سازگاری زناشویی. پایان‌نامه دکتري مشاوره. دانشگاه شهید چمران.
باقریان، مهرنوش (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی زناشویی مبتن بر آموزه‌های اسلام بر سازگاری زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
پیلتن، محمدعلی (۱۳۹۰). بررسی ابعاد مختلف مسئله مدارا در متون دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی گرایش کلام. دانشکده الهیات دانشگاه قم.

جبرئیل‌زاده، راضیه و شماخته، میلاد (۱۴۰۳). نقش تعدیل‌کننده صمیمیت زناشویی سازگاری زناشویی ادراک انصاف و تعهد زناشویی در رابطه بین سبک زندگی اسلامی با ثبات ازدواج و احساس مثبت به همسر. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۱۰ (۲۰)، ۱۳۴-۱۶۲.

خان‌آبادی، مهدی (۱۳۹۷). تدوین و اعتباریابی بسته آموزشی کیفیت زناشویی به‌منظور ارتقای سطح صمیمیت و رضایت زناشویی زوج‌های ناباور. رساله دکتري مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی.

خواجوی مقدم، لعیا و دلبری، علی (۱۳۹۳). عوامل تقویت مدارا در خانواده از دیدگاه آیات و روایات. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۰ (۱)، ۱۳۳-۱۴۹.

داتلی بگی، مژگان (۱۳۹۶). ساخت و اعتباریابی مقیاس برای سنجش مدارا در روابط زناشویی مبتنی بر رویکرد دینی و بررسی رابطه آن با صمیمیت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی. دانشگاه چمران.

- داوودی، محمود (۱۳۸۰). رفق و مدارای تربیتی در سیره معصومین علیهم السلام. حوزه و دانشگاه، ۲۸، ۹۶.
- راستی، مینا (۱۳۹۶). جایگاه و ارزش و حدود مدارا از منظر قرآن روایات معصومین علیهم السلام. پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق اسلامی. دانشگاه پیام نور بافق.
- رجبی، محمود، و وحیدیان اردکان، حمید (۱۳۹۳). عوامل رفتاری سازگاری همسران از دیدگاه قرآن کریم. معرفت، ۱۹۷، ۷۷.
- زمانی محمدحسین و احمدی، محمدرضا (۱۴۰۱). رابطه نگرش های ناکارآمد و عواطف مثبت و منفی با نگرش به روابط فرازناشویی؛ با توجه به نقش واسطه ای جهت گیری دینی در زوجین در آستانه طلاق. اسلام و پژوهش های روان شناختی، ۳۸ (۳)، ۱۱۵-۱۳۰.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۴). روان شناسی اسلامی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- صادقی، منصوره سادات (۱۳۸۹). الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثربندی آموزش مهارت های مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار. پایان نامه دکتری مشاوره عمومی. دانشگاه شهید بهشتی.
- صالحی، شیرین (۱۳۹۵). راهکارهای قرآنی و روایی در زمینه سازگاری زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۳). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- عبداللهی، حمیدرضا و قاسمی، سیمین (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش گروهی حل تعارض زوجین با رویکرد اسلامی بر سازگاری و رضایت زناشویی. پژوهش نامه روان شناسی اسلامی، ۱۹ (۹)، ۴۶-۲۱.
- علمی، قربان (۱۳۹۴). مفهوم و جایگاه مدارا در حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام. پژوهش های نهج البلاغه، ۴۵، ۸۸-۶۷.
- عمادی، عبدالله و پسندیده، عباس (۱۳۹۴). چپستی رفق در حیطه مسئولیت های خانواده از منظر حدیث و تعیین شاخص های زوج. کتاب و سنت، ۷، ۳۲-۸.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۵). آزمون های روان شناختی. تهران: بعثت.
- فتوحی، سکینه و ابوالقاسمی، عباس (۱۳۹۵). رابطه ابعاد شخصیت و سازگاری زناشویی زوجین؛ بررسی نقش واسطه ای سبک های عشق. فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۱ (۳۵)، ۴۱-۶۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول کافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۷). جنگ علیه خانواده. ترجمه معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گل پرور، محسن؛ طاهری، ژاله و اسماعیلی، رضا (۱۳۹۰). ویژگی های روانی و شخصیتی زوج های ناسازگار و سازگاری زناشویی آنان در ایران و تورنتو. خانواده پژوهی، ۷ (۲۶)، ۲۳۳-۲۳۹.
- متقی نژاد، ام البنین (۱۳۹۹). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس مهارت های ارتباطی تاب آوری و سرسختی روان شناختی در زنان متقاضی طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی. دانشکده علوم انسانی مؤسسه فیض کاشانی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. تهران: جامعه شناسان.
- مقدس زاده، معین (۱۴۰۰). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی راهبردهای مقابله ای و صفات شخصیت. برزنفهرین، ۲ (۲۴)، ۲۱.
- نجفی علمدارلو، عاطفه (۱۳۹۸). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس سطوح تمایز یافتگی و سرسختی روان شناختی. پایان نامه ارشد روان شناسی تربیتی. دانشگاه آزاد مرودشت.
- Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory Strategies for Qualitative Research*. Mill Valley, CA Sociology Press.
- Hsieh, H. F. and Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288
- Polit, D. F. & Beck, C. T. (2006). The Content Validity Index. *Research in Nursing & Health*, 29, 489-497.
- Guyen. N. (2017) Anaiysis of The Theses About Marital Adjustment (2006-2016) International. *Jornal of Psuchdogy and Edacational Studies*, 54(63), 2, 4.
- Lata, roa. s. (2017). marital Adjustment and Depression Gouples. *the International Journal of Indian Psychology*. 33-46,2,4.
- Perrone McGovern, km., Boo, J. N. & Vamatter, A. (2012). *Marital and Life satisfaction Amang Gifted Adults Roeper Review*, 34(1), 46-52.